بسم الله الرحمن الرحیم.

دلالت نهی بر فساد.

اگر مولا عبد خود را از عمل عبادی یا از معامله ای نهی نمود آیا این نهی دلالت بر فساد آن عمل دارد یا خیر؟

مقدمه:

فارق بحث اجتماع امر و نهی با مقام.

در بحث اجتماع امر و نهی اینطور گفتیم که:

اگر قائل شویم که:

1-متعلقات تکالیف عناوین است نه معنونات.

2-یا اگر متعلقات تکالیف معنونات است لکن تعدد عنوان موجب تعدد معنون میگردد.

در اینصورت عمل واحد میتواند مجمع دو عنوان باشد و اجتماع جایز است.

لکن اگر قائل شدیم که:

1-متعلقات تکالیف عناوین است لکن به معنونات سرایت میکند

2-تعدد عنوان موجب تعدد معنون نمیگردد.

در اینصورت اجتماع امر و نهی جایز نخواهد بود.

حال با فرض عدم اجتماع اگر به عبادت یا معامله ای نهی تعلق گرفت آیا این نهی موجب فساد آن عبادت یا معامله هست یا خیر؟

مقدمه: تحریر محل نزاع.

تعریف چند اصطلاح.

اول: دلالت.

دلالت، در لغت به معنای راهنمایی، هدایت و راهبری، و در اصطلاح، به حالتی در یک شیء گفته می‌شود که سبب علم به شیء دیگر می‌گردد؛ شیء اول را « دالّ » و شیء دوم را «مدلول» می‌گویند، مانند: دلالت دود بر آتش.

اقسام دلالت

براى دلالت لفظ بر معنا تقسيماتى ذكر شده است.

دلالت مطابقى، تضمنى و التزامى

-دلالت مطابقى؛ دلالت لفظ است بر تمام معناى خود، مانند دلالت لفظ حسن بر فرد مسمّا به اين نام.

-دلالت تضمنّى؛ دلالت لفظ است بر جزئى از معنا، مانند دلالت لفظ حسن بر سرو پاى فردى كه به اين نام خوانده مى‌شود.

-دلالت التزامى؛ دلالت لفظ است بر ملازم عقلی یا عرفى معناى خود، مانند دلالت لفظ خورشيد بر نور یا دلالت لفظ «حاتم» بر جودو بخشندگى.

بعضی مانند مرحوم آخوند به جای کلمه دلالت از کلمه اقتضاء استفاده نموده اند.

فرق بین دلالت و اقتضاء:

متبادر و متفاهم از کلمه دلالت، دلالت التزامی است، ومتبادر از کلمه اقتضاء، دلالت عقلی است.

دلالت نهی بر فساد از کدام یک از انواع دلالت است؟

پاسخ: فیه اختلاف. بعضی قائلند از اقسام دلالات التزامیه لفظیه است. یعنی بین بالمعنی الاخص.

اما بعضی قائلند از اقسام دلالات عقلیه است. یعنی دلالت بین بالمعنی الاعم.

مرحوم مظفر. تعبیر اقتضاء تعبیر بهتری است زیرا:

چه قائل شویم که دلالت نهی بر فساد بالمعنی الاخص است چه بالمعنی الاعم است، ابتدا باید ملازمه بین نهی و فساد را اثبات نماییم و این ملازمه گاهی به واسطه لفظ است و گاهی بدون واسطه لفظ. و علی کل حال مسأله از باب دلالات عقلی است و عقل است که باید حکومت کند بر فساد. فلذا مسأله از باب ملازمات عقلیه است.

کلمه نهی.

نهی بر دو قسم است نهی تحریمی و نهی تنزیهی.

متبادر از کلمه نهی عندالاطلاق نهی تحریمی است منتهی به حکم عقل زیرا صیغۀ نهی از دید مرحوم مظفر، تنها دلالت بر کراهیت و قباحت شیء نزد مولی دارد و بس.

منتهی عقل میگوید مولی نهی کرده است و قدرت بر عقاب هم دارد؛ پس باید ترک کنی.

در مقام مراد ما از نهی همین عنوان اعم است.

و همچنین مراد، اعم از نهی نفسی و غیری است کمااینکه آخوند فرموده.

مرحوم نائینی میفرماید: نهی تنزیهی و غیری داخل بحث نیست زیرا دلالت بر فساد ندارد.

مرحوم مظفر. بله ما هم قبول داریم دلالت ندارد لکن چون قائل دارد داخل در محل نزاع هست.

فساد

فساد در مقابل صحت است.

در اینکه تقابل صحت و فساد از نوع تقابل تناقض است یا تضاد یا ملکه و عدم اختلاف است لکن مرحوم مصنف قول ملکه و عدم را انتخاب می نمایند.

حال صحت و فساد هر شیئی به حسب خودش می باشد.

صحت و فساد در علم طب یک معنی دارد در علم فقه یک معنا دارد در علم اصول یک معنا

معنای صحت و فساد در مقام:

صحت یعنی مطابقت ماتی‌به با ماموربه و فساد یعنی عدم مطابقت ماتی‌به با مامور به. بنابراین لازمه صحت، اجزاء و لازمه فساد عدم اجزاست. در معاملات هم لازمه صحت ترتب اثر و لازمه فساد عدم ترتب اثر است.

متعلق النهی.

متعلقات نهی گاهی متصف به صحت و فساد می گردند مانند نماز یا معامله ربوی.

و گاهی متصف نمیگردند مانند شرب خمر و غیبت.

مراد از متعلق قسم اول است یعنی چیزهایی که متصف به صحت و فساد میگردند.

حال با توجه به این نکات:

بحث در مقام در ملازمه عقلیه بین نهی از عمل با فساد آن عمل است که آیا نهی از عمل مقتضی فساد آن عمل هست یا خیر؟

بعضی قائل به اقتضاء هستند و بعضی قائل به عدم اقتضاء.

قائلین به اقتضاء هم دو دسته اند بعضی از باب دلالت عقلی محض این قول را قائلند و بعضی از باب دلالت لفظیه عقلیه.